

دماغ دراز دروغگو

پینوکیو و پدر ژیتو را یادتان هست؟ هنوز خاطره دروغگویی این عروسک چوبی که وقتی دروغ می‌گفت...



پینوکیو و پدر ژیتو را یادتان هست؟ هنوز خاطره دروغگویی این عروسک چوبی که وقتی دروغ می‌گفت دماغش دراز می‌شد، همه کسانی را که این کارتون زیبا را دیده‌اند، به خنده وا می‌دارد. بسیاری از ما با کودکانی زندگی می‌کنیم که دروغ می‌گویند و دلمان می‌خواهد برای درمان دروغگویی فرزندانمان راهکاری مناسب بیابیم. این مقاله به بررسی این ناهنجاری رفتاری و راه‌های برون‌رفت از آن را بررسی می‌کند.

دروغگویی به معنی کتمان حقیقت و وارونه نشان دادن واقعیت و در واقع سخنی است که واقعیت خارجی ندارد. شخص دروغگو با دروغ گفتن، ضعف‌های خود را می‌پوشاند، شونده را گمراه می‌کند، از تنبیه خود را نجات می‌دهد و بدین‌وسیله توجه دیگران را به سوی خود جلب می‌کند.

در کودکان نیز گاهی دروغگویی آنان به دقت نکردن به جزئیات، بزرگ جلوه دادن موضوعات و نادرستی بزرگسالان مربوط می‌شود. فشار آوردن به کودک در گفتن جزئیات یک ماجرا، آنها را به دروغگویی تشویق می‌کند. گفته می‌شود بعضی دروغگویی‌ها چیزی غیر از بازی نیستند، مثلاً وقتی کودک شوخی می‌کند، لباس عوضی می‌پوشد یا تقلید می‌کند از تغییر شکل واقعیت تفریح می‌کند و خوشش می‌آید. کودک در حال بازی با بزرگسالان یا رفقا و همسالان خود که به هر حال همبازی‌هایی او هستند، رفتارشان به گونه‌ای است که گویی تحریف حقیقت از جانب وی واقعی بوده، ولی این تمایل که در نتیجه لذت به دست آمده از آن تقویت می‌شود، کم‌کم عادت دروغ را به وجود می‌آورد و این عادت بتدریج وقتی کودک به قدرت اختفا و تظاهر خود پی می‌برد، محکمتر می‌شود.

در کودکان تا چهار پنج سالگی، دروغ به مفهومی که در بزرگسالان مطرح است، وجود ندارد. چون این کودکان با جزئیات اشیا و پدیده‌ها آشنایی کافی ندارند و دامنه لغات و درک مفاهیم محدودی دارند، گفتارشان به دروغ شباهت دارد و کودکان در این سن، دیده‌ها و شنیده‌ها را بر اساس تخیلات و تصورات خود توجیه و تفسیر می‌کنند و بین دروغ و حقیقت تفاوت و تمایزی قائل نیستند؛ ولی متأسفانه پس از 4 یا 5 سالگی، بتدریج و بر اثر دخالت‌های عوامل محیطی و تربیت نادرست، دروغ و دروغگویی شکل می‌گیرد.

علل دروغگویی در کودکان

دروغگویی علل متفاوتی دارد. اولین علت دروغگویی، آموزش‌های نادرست و غلط خانواده و والدین است. اولین پایه‌های شخصیتی کودک در محیط خانواده به‌وسیله والدین ریخته می‌شود و کودک تمام رفتار و کردار خود را از محیط خانواده می‌آموزد و رفتار دروغگویی را نیز همانند دیگر رفتارهای او، والدین او پی‌ریزی می‌کنند.

حسادت: اگر کودکی نسبت به کودک دیگر حسادت ورزد، ممکن است درباره او به این امید که برای وی ایجاد رنج و زحمت کند، دروغ بگوید یا مثلاً اگر احساس کند که مربی، طفل دیگر را بیش از او دوست می‌دارد، احتمال دارد به معلم درباره آن طفل دروغ‌هایی بگوید برای آن‌که طفل را از نظر مربی بیندازد و محبت مربی را به سوی خود جلب کند.

ترس از شکست یا مقصر واقع شدن: کودک ممکن است عین پیشامدی را که اتفاق افتاده است. بیان نکند؛ زیرا می‌ترسد که اطفال دیگر او را ریشخند یا اذیت کنند. همچنین احتمال دارد به انجام دادن کاری که موجب آزرده‌گی طفل دیگر شده است، اقرار نکند از ترس این‌که طفل دیگر نسبت به او خشمگین شود و او را بزند و نیز احتمال دارد کاری را که نکرده است به گردن گیرد از ترس این‌که مبدا اطفال دیگر او را ترسو بنامند.

برای معروف شدن: اگر طفلی نزد اطفال دیگر معروف نباشد، ممکن است به خاطر جلب توجه و پذیرش از طرف آنان دروغ بگوید. عادت اطفال به راستگویی بسیار مهم است و باید به هر شیوه که میسر باشد، امکان راستگویی را برای آنان به‌وجود آورد و این مساله به راه‌های مختلف امکان‌پذیر است.

جلب توجه: طفلی که از توجه دیگران برخوردار نیست، برای جلب آن دروغ می‌گوید. چنین کودکی به هر فرد بزرگی که برای شنیدن آماده باشد، اعم از آشنا و غریب دروغ می‌گوید و اصولاً چندان توجهی ندارد که آیا سخنان او را باور می‌کنند یا نه و مادام که کسی به گفتار او گوش دهد و توجه کند به سخنانش ادامه دهد. طفل محتمل است که درباره خود داستان‌های خوبی گوید. حتی اگر با گفتن چیزهای ناخوش‌آیند در خصوص خویشتن جلب توجه بیشتری کند، از گفتن آن مضایقه نخواهد کرد و تا وقتی شخص بزرگ به او توجه داشته باشد، محتوای داستان‌ها و سخنان او چندان برایش واجد اهمیت نخواهد بود.

نقش والدین: والدین زمانی که آگاهانه درباره مطلبی اغراق آمیز حرف می‌زنند، دروغ هم می‌گویند با این هدف که مستمعین را تحت تاثیر قرار دهند، البته بدون این‌که قصد فریب آنان را داشته باشند؛ اما کودک احتمالاً اغراق آنان را سخاوتمندانه تفسیر و تعبیر نمی‌کند. الگوهای ارائه شده به‌وسیله والدین بسیار اهمیت دارد. اگر آنها برای فریب دادن دروغ بگویند (برای مثال وقتی مادر از دیگران می‌خواهد تا در پاسخ کسی که برای ملاقاتش مراجعه کرده، بگویند در منزل نیست) غیر منطقی است از کودک انتظار راستگویی و درستکاری داشته باشیم.

در مواردی، بعضی برنامه‌ها و فیلم‌های تلویزیون نیز مستقیم یا غیرمستقیم کودکان را به دروغگویی هدایت و تشویق می‌کند. بعضی

برنامه‌ها و فیلم‌ها، قهرمان داستان را دارای چنان قدرت فوق‌العاده‌ای نشان می‌دهند که خارج از توان انسان است یا بعضی فیلم‌های کارتونی که واقعیت‌ها را وارونه نشان می‌دهند، کودکان را به صورت عملی به دروغ گفتن و واقعیت را وارونه نشان دادن تشویق می‌کنند.

این برنامه‌ها، واقعیت‌ها را چنان مسخ می‌کنند که کودک در ارتباط با واقعیت‌ها یا حتی قدرت خود و والدین خود طوری دیگر فکر می‌کند و گاهی چنان داستان‌های دروغی را سر هم می‌کند که انسان در تعجب می‌ماند.

انتظار و توقع بیش از حد از کودکان و مقایسه آنان با دوستان و همکلاسی‌ها در زمینه‌های گوناگون، از دیگر علل دروغگویی کودکان محسوب می‌شود. والدین و مربیانی که از کودکان انتظاراتی بیش از حد توانشان دارند و آنان را تحت فشار قرار می‌دهند، کودکان را به دروغگویی وا می‌دارند. در این صورت، کودک از طریق دروغ می‌تواند هم بر احساس حقارت خود به طور موقت غلبه یابد و هم والدین را راضی و خشنود و نظر آنان را به سوی خود جلب کند. دروغگویی علل دیگری نیز دارد که به طور خلاصه عبارت است از: اجتناب از ناراحتی و دردسر، ناراحت کردن رقیب‌ها و اطرافیان، خودستایی و تظاهر، فراموشی، تفاهم نداشتن، بی‌اطلاعی، شتابزدگی، آرزو و خیال، بی‌اعتمادی و ضعف و کمبودها.

درمان دروغگویی

دروغگویی در نهایت برای کودک و جامعه زیان‌های فراوان دارد، بنابراین درمان آن لازم است. اگر درمان زودتر و در سنین پایین‌تر آغاز شود، نتایج امید بخش‌تری به دنبال خواهد داشت. در درمان دروغگویی، همکاری خانواده و مسوولان مدرسه ضروری است. در غیر این صورت، موفقیت چشمگیری از درمان حاصل نخواهد شد. برای درمان دروغگویی کودکان باید علل آن به خوبی شناخته شود.

بدون شناخت علل، درمان دروغگویی امکان‌پذیر نخواهد بود. برای پیشگیری و درمان دروغگویی، والدین و مربیان باید واقعیات را بپذیرند و برای شنیدن موارد شیرین و تلخ از طرف کودکان آماده شوند و با رفتار خود به کودک بیاموزند که گفتن واقعیات به هر صورتی که باشد، مقبول است و موجبات تنبیه و آزار کودک را فراهم نخواهد کرد. اگر کودک در عمل پی‌ببرد که والدین و مربیان، او را برای دروغگویی تشویق و برای راستگویی تنبیه نمی‌کنند، به تظاهر در رفتار و جعل واقعیت نخواهد پرداخت؛ همچنین والدین و مربیان باید از طرح پرسش‌هایی که کودک به آنها به احتمال قوی پاسخ‌های نادرست خواهد داد، خودداری کنند.

در صورت مشاهده دروغ، والدین و مربیان نباید شتابزده عمل کنند و به تنبیه کودک مبادرت ورزند. برای بازداشتن کودکان از دروغگویی و اصلاح رفتار آنان باید روش برخورد با توجه به موقعیت انتخاب شود. برخی روش‌ها به اختصار عبارت است از:

نشان دادن ارزش راست گفتن: در وهله اول کودک باید دریابد که دروغگویی کار نادرست و ناپسند و راستگویی عملی با ارزش و پسندیده است. کودک باید ارزش راست گفتن را در عمل تجربه کند. والدین و مربیان نباید در برابر دروغ‌های کودکان بر آشفته شوند و او را کتک بزنند. بیان نتایج زشت و تلخ دروغگویی به صورت داستان برای کودکان می‌تواند در آموزش عواقب تلخ دروغگویی مفید واقع شود؛ همچنین اگر والدین و مربیان، کودک را در خلوت، نه در حضور جمع و در جوی محبت‌آمیز و پر عطف با مضررات و نتایج دروغگویی آشنا کنند و به او پند دهند، در جلوگیری و نیز درمان دروغگویی می‌تواند موثر باشد.

اجازه بیان احساسات: کودک باید احساسات خود را آزادانه ابراز کند. در صورتی که بیان احساسات، باعث آزار و اذیت اطرافیان شود باید به کودک آموخت که به تدریج این احساسات را جایگزین احساسات خوشایند کند و نباید برای احساس تنبیه شود، برای نمونه، اگر کودکی از برادر کوچکترش خوشش نمی‌آید باید به او اجازه داده شود که احساسش را بیان کند. پس از استماع نظر کودک، والدین باید ضمن تحلیل رفتار خود با کودک و یافتن علل پیدایش چنان احساسی، به راهنمایی کودک و تغییر رفتار و احساس او مبادرت ورزند. در مواردی که کودک مرتکب کار خطایی شده ولی راست می‌گوید، باید با ملایمت و به طور صحیح به او تذکر داده شود که رفتارش درست و پسندیده نیست و باید آن را تغییر دهد. هشدار دادن به کودک، همدردی با او در مواردی که لازم است، نادیده گرفتن حرف‌های کودک و بی‌توجهی به آنها از روش‌هایی است که در مواقع مشخص می‌تواند برای پیشگیری و درمان دروغگویی کودکان استفاده شود.

تعديل انتظارات از کودکان: والدین و مربیان باید از هر کودک انتظاراتی داشته باشند که با واقعیات و امکانات او منطبق است. در غیر این صورت، دروغگویی کودک تقویت و تشدید خواهد شد؛ چون کودک توان عملی ساختن خواسته‌های اطرافیان را ندارد به گفتن دروغ متوسل می‌شود؛ بنابراین از هر کودک باید انتظاراتی در حد توانش داشته باشیم.

همچنین برای این که کودکانمان دروغگو بار نیابند، بکوشیم:

- خودمان دروغ نگوئیم.

- کودکان خود را مجبور به انجام کاری یا مجبور به گفتن چیزی نکنیم.

- رفتارمان با گفتارمان مطابقت داشته باشد و به وعده‌های خود عمل کنیم.

- کارهای خارج از توان آنها و همچنین کارهای فراوان به آنان واگذار نکنیم.

- کودکان خود را تحت تنبیه‌های سخت قرار ندهیم.

- آنان را با کودکان دیگر مقایسه نکنیم.

- نیازهای حال آنان را در نظر بگیریم.

- دخالت و سختگیری بی‌مورد و بیش از اندازه در کارهای کودکانمان نکنیم.

- زمانی که کودک مطلبی را تعریف می‌کند، او را به عجله و شتاب نیندازیم و او را مجبور به سریع گفتن تمام مطلب نکنیم.

- نتایج تلخ و زشت دروغگویی را در قالب داستان‌های ساده باید به کودکان بفهمانیم.
- با برنامه متنوع و گردش و مسافرت، اوقات فراغت آنان را پر کنیم.
- به کودکانمان اعتماد داشته باشیم تا احساس مسوولیت کنند.
- به هیچ وجه کودکانمان را به دروغگویی متهم نکنیم، حتی اگر بدانیم دروغ می‌گویند.
- اگر کودکانمان در حضور دیگران به ما دروغ می‌گویند، نباید در حضور جمع به تنبیه یا پند و نصیحت پرداخت، بلکه این پند و نصیحت باید در خفا و خلوت صورت بگیرد.
- به آنان کاملاً توجه و محبت و نیاز به توجه و محبت آنان را ارضاء کنیم تا آنان برای جلب توجه و محبت ما به دروغ متوسل نشوند.

صابر محمدی / جام جم